

معادله پیچیده ۱۴۰ میلیاردی خودرو مونتاژی

صفحه ۱۴



روزنامه خبری تحلیلی، دشمنی صبح ایران
صدای سخنرانان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رویدادها:
روایت‌های جنگ



www.fardir | Sat | 21 Oct 2023 | vol.15 | No. 3986 | 16 Pages

رئیس جمهور آمریکا به سرزمین‌های اشغالی رفت

اما اتفاقی نیفتاد

سفر بی خاصیت بایدن

چرا از روایت صهیونیستی بیمارستان در افکار عمومی

غرب استقبال نشد

بومرنگ شبکه‌های اجتماعی

علیه کودکان گمشده‌ها

دو هفته پس از عملیات پیشدستانه مقاومت حملات خونبار به غزه با واکنش منفی جهان مواجه شده است

نسل‌کشی جواب نداد

جشنواره فیلم کوتاه تهران با استقبال فوق‌العاده مخاطبان شروع شد



صدای پای امیدهای آینده سینمای ایران

۱۲

قطب‌الدین شیرازی چطور علم ایمانی و یونانی را در هم آمیخت

حفاظت از فرهنگ ایران در پسامغول

۱۵، ۱۶

چه کسانی می‌خواهند «مرضیه برومند»‌ها از فرهنگ بروند؟

حمله مدرسه موش‌ها به خانم کارگردان

۱۲



نئوفاشیسم در عصر شبکه‌های اجتماعی؛ امکان یا امتناع؟

و سال‌ها دست به جنایت زده است. در این لحظه که نئوفاشیسم در فلسطین دست به نسل‌کشی می‌زند، همان ابرویات مجدد شکل گرفته اما کافی است بحث انسانی زیستن مطرح شود و شبکه‌های اجتماعی بتوانند حق انسانی زیستن که حق حقوقی هر انسانی است، مطالبه شود. قطعا اسرائیل و آمریکا به این راحتی نخواهند توانست ابرویات خود را که نون خونریزی جمعی است برای ماندگاری ابروی خود که به سخره گرفتن مقام انسان است را شکل دهند. فلسطین فرصت خوبی است برای احیای انسانی زیستن جهان و حتی مطالبه حق زیستن بیرون از ابرویات خود. نئوفاشیسم است. شاید این لحظه بهترین امکان برای خارج شدن از این وضعیت باشد و شبکه‌های اجتماعی با طرح پرسش از چرایی این جنایت و سکوت جوامع غربی و چرایی فرستادن بمب به مناطقی که فقط مناطق زیستن خانواده‌هاست، امکان ظهور وضعیت جدیدی است که شرایطی برای انسانی زیستن را فراهم می‌کند.

نئوفاشیسم در مقام مروج

خودشیفتگی جمعی

آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها صرفا حق جذاب زیستن را برای شهروندان خود تخلیل کرده‌اند و آنها را از طریق استعاره‌های گوناگون به این نقطه رسانده‌اند که یگانه شهروندان مفید کره‌خاکی هستند و اگر سایر مناطق جهان هم قصد جذاب زیستن را دارند باید مشابه انسان‌های این دو کشور به خودشیفتگی جمعی آنها دچار شوند و در مقام تقلید مثل آنها زیست کنند. این خودشیفتگی در مواقع همان غرور ملی خود انشان می‌دهد اما بحث از غرور ملی فراتر است و نوعی الهیات پنهان بهترین خلق یا بهترین انسان در کره‌خاکی در میان است. به تعبیری این خودشیفتگی است که اجازه می‌دهد سوزهای که نئوفاشیسم‌ها ساخته‌اند در مقابل جنایت‌های مختلف سکوت کنند یا به نوعی زمستی بی‌تفاوتی به خود گیرند. این بی‌تفاوتی هم محصول همان خودشیفتگی است که حاصل پرورش انسان‌هایی است برگرفته از تفکر نئوفاشیسم. به هر جهت این دو حالت یعنی خودشیفتگی تند و بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت‌های دهشتناکی مثل امروز فلسطین که برگرفته از افکاری است که این دولت‌ها برای بقای جنایت خود خلق کرده‌اند. حال زمان مناسبی است که جهان در این عصر شبکه‌ای بتواند در مقام دیگری عمل کند یعنی به جای بازی در دل خودشیفتگی که نئوفاشیست‌ها باب کرده‌اند، علیه آن عمل کنند و همه انسان‌های عالم را در مقام افرادی که باید کرامت داشته باشند، خویش کنند که در این بین ملت فلسطین هم یکی از آن ملت‌هاست و راه حل پایان دادن به خودشیفتگی معاصر و مقابله با سیاست‌های کشورهای مثل اسرائیل و آمریکا است که می‌تواند از طریق شبکه‌های مجازی شکل گیرد و فرصت مناسبی است برای عبور از خودشیفتگی معاصر و فاشیستی فعلی.

نتیجه‌گیری

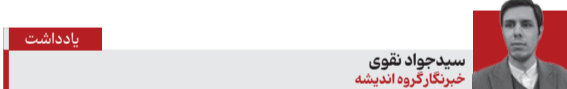
به نظر می‌رسد هر چند محدودسازی فضای مجازی و پلتفرم‌هایی مثل اینستاگرام یا حذف محتوای صورت‌های مختلف در جریان بوده و از طرفی مسائلی که بیان شده و پهلوی است، اما عرصه مجازی در این لحظات همان‌طور که می‌تواند ابزار قدرت نئوفاشیسم باشد، می‌تواند علیه آنها هم باشد و همان‌طور که رسانه‌های آمریکایی‌های در جنگ جهانی دوم توانست وضعیت را علیه فاشیست‌ها شکل دهد و بعدها در عصر جنگ سرد برای خود تغییر داد، این بار هم فرصت هست که فضای مجازی علیه نئوفاشیست‌ها عمل کند و سلطه آنها را در عرصه اجتماعی تغییر دهد و این مساله‌ای است که دولت‌های غربی در جنگ امروز به خوبی می‌دانند و احتمالا یکی از دلایل عدم توانایی ورود اسرائیل به این مساله هم مربوط است، چون به خوبی می‌دانند شبکه‌های اجتماعی می‌توانند تصویر ناجی آنها را به تصویر دیکتاتورهای جدید تغییر دهد.

تمام آنچه شما گناه ویرانی و مخلص کلام شرمی نامید نیروی واقعی من است (از نمایشنامه فاوست گوته)

غرب‌سازی تنها راه نجات است این گزاره که از نمایشنامه گوته نقل شد به نوعی نگاه تصویری است که از طریق بسیاری از شبکه‌های اجتماعی در حال ترویج بوده. این واقعه آنقدر که مجدداً تئودور آدرنو درباره‌اش بحث می‌کند وضعیتی است که در پرس فاشیسم در غرب به وجود آمده است. آدرنو معتقد است هر چند فاشیسم بسیار پرتو آورده، اما نوعی یکدست‌سازی که می‌توان همان غرب‌سازی آمریکایی بعد از جنگ جهانی دوم قلمداد کرد هم به شکلی ادامه فاشیسم است و به گونه‌ای که فرد در عصر جدید می‌تواند از میان دموکراسی و فاشیسم و لیبرالیسم یکی را برگزیند. این تصور خود خلق چهره‌ای جدید از یکدست‌سازی است که توسط آمریکایی‌ها در جریان است و با ظهور پلتفرم‌های مجازی از طریق بحث‌های آمریکایی و تنها راه زیبا زیستن دنبال می‌شود و این نکته درست است که ممکن است غرب‌سازی را خیلی‌ها شکر قلمداد کنند، اما آمریکا از طریق همین شبکه‌های اجتماعی در حال اثبات این بحث است که تمام نیروی غرب‌سازی نه در صلح بلکه در امتداد شراست، اما این شر خالق خوبی برای هستی و جهان فعلی است. در یک کلام شری لازم است که کاری که در عراق و افغانستان و بعدا در یمن صورت داد، نوعی جنایت وحشتناک بود و شروع یک نئوفاشیسم، اما آمریکایی‌ها در حال اثبات این هستند که این شر است که جذاب است و انسان خاورمیانه‌ای را برای بقای صلح باید حذف و سرکوب کرد، مشابه کاری که امروز در فلسطین در جریان است و آمریکا و اسرائیل در حال نابودی زیستن در آن منطقه هستند، اما در این لحظه هم می‌توان شبکه‌های اجتماعی را به وضعیتی تبدیل کرد که علیه ماشین‌کش‌نژاد فاشیسم عمل کند. ادوارد سعید، مفکر فلسطینی‌الاصل در مقاله‌ای به عنوان خاطره و مکان می‌گوید باید وقایع تاریخی مرتبط با هم را قضاوت کرد. او می‌گوید برای انسان فلسطینی سال ۱۹۴۸ سال تکبیت است یا مصیبت ساله که ۷۵ هزار نفر از مردم فلسطین یعنی دو سوم جمعیت از کل جمعیت، از سرزمین و خانه خود رانده شده‌اند و اموال‌شان تصاحب شده و صدها روستا نابود شدند. اما برای انسانی از سرزمین اشغالی (اسرائیل) و بسیاری از یهودی‌ها، سال ۱۹۴۸ پنجاهمین سالگرد تاسیس اسرائیل است و استقرار حکومتی معجزه‌آسای باستانی در سرزمین موعود. بنابراین از واقعه واحد و خاطره‌تاما متفاوت شکل می‌گیرد، حال این نکته ادوارد سعید به ما می‌گوید اگر بتوان در همین شبکه‌های اجتماعی روایتی که خلاف باور تقلیل یافته غرب‌سازی شکل گرفته است، گسترش پیدا کند می‌توان از دایره شر مطلق که نئوفاشیست‌ها خلق کرده‌اند، عبور کرد و انسان‌ها در سیطره جهانی وضعیت جدیدی را تجربه کنند و متوجه شوند تنها راه نجات زیستن در افق شر مطلق نیست.

نئوفاشیسم در شرایط به سخره گرفتن مقام انسانیت

مارتین هایدگر می‌گوید بی‌فکری مرموز و زیرک است که در جهان امروز همه‌جا حضور دارد. با ظهور عصر ارتباطی در فضای مجازی یکی از توهم‌هایی که نئوفاشیست‌ها ایجاد کردند که انسان‌ها دیگر نیازی به فکر ندارند و همه چیز در اختیارشان است و دیگر فکر کردن در مقام ویژه نیست، دقیقاً مشابه همان رفتاری که فاشیست‌ها داشتند یعنی انسان را تبدیل به توده‌ای تقلیدگرا از ابرویات‌های خاصی صورت بندی می‌کردند، به نوعی انسانیت که در مقام تفکر انسان تعریف می‌شود را به نوعی تقلیدگرایی سیاست‌زده سوق می‌دادند. حال در عصر فعلی هم که می‌توان درد قرن را فرافرد در سرگرمی معرفی کرد، نئوفاشیست‌ها بیش از آنکه دوست داشته باشند انسان‌ها را از تحولات جهان با خبر باشند، سعی می‌کنند آنها را بر ابرویات‌های خاصی علاقه‌مند کرده و سعی می‌کنند تقلید را بهترین شیوه زیستن معرفی کنند که در حوادثی مثل حمله به عراق و افغانستان به جای آنکه علت چنین حملاتی را بیان کند با ابرویات مبارزه با نژاد فاشیسم به این مناطق پا گذاشت



سید جواد تقوی
سخنران گروه اندیشه

تصاویر جنایت‌های اسرائیلی‌ها در فلسطین به شرایطی رسیده که بیشتر نقاط دنیا را به واکنش و اداری کرده است. حجم جنایت‌ها در حدی است که کمترین افراد آزادیخواهی می‌توانند درباره این وضعیت سکوت کنند. بسیاری از مردم کشورهای مختلفی در جهان علیه این جنایت‌ها به خیابان آمده‌اند و سکوت نکرده‌اند. تصاویر برخورد خشن پلیس در کشورهای اروپایی با معترضان کاملاً واضح است و شرایط به گونه‌ای است که این تصاویر در کنار تصاویر وحشتناکی که از فلسطین دیده می‌شود نشانگر ظهور یک شکل جدیدی از نسل‌کشی و ذبح انسان‌هاست که به تعبیری همان شکل فاشیسم و نازیسم را مجدداً زنده کرده است. قطع برق و آب در غزه و روزانه صد انفجار بمب در این منطقه مشابه همان شرایطی است که فاشیست‌ها در جنگ جهانی دوم رقم زده‌اند. همه افراد حتی کودکان و زنان فدای بقای نوعی از تفکر می‌شوند که آن تفکر به صورت بنیادی تمامیت‌خواه است و هیچ مساله انسانی را مورد پذیرش ندارد و صرفاً با جنایت و مسیحه قصد دارد جغرافیای منطقه‌ای را به جغرافیای جعلی خود اضافه کند. حال پرسشی مطرح شده که آیا در چنین شرایط و هنگامی که تصاویر به جهان مخابره می‌شود، آیا شبکه‌های اجتماعی اجازه می‌دهند این نئوفاشیسم به این نسل‌کشی ادامه دهد؟ یا مانع این نسل‌کشی همچون هیتلر و فاشیسم در تاریخ باعث رسوایی آنها می‌شود؟

در واقع پاسخ به این پرسش را باید با دقت مورد بررسی قرار داد و از جنبه‌های گوناگونی به آن توجه شود تا بیشتر متوجه شویم در چه مسیری قرار داریم.

شبکه اجتماعی عامل زدودن امر گذشته از حافظه می‌شود؟

تئودور آدرنو متفکری که سال‌ها روی بحث فاشیسم تمرکز کرده بود، یکی از علت‌های ظهور فاشیسم را خالی کردن حافظه‌ها از وقایع تاریخی می‌دانند. او معتقد است هرگاهی جوامع دچار بی‌تاریخی شده‌اند و مردم آن مقطع بدون پریشانی تاریخی و تجارت تاریخی در حال زیست کردن هستند، ناجی و منجی در اشکال مختلفی ظهور کرده است. امروزه شبکه‌های اجتماعی تا حدودی توانسته است این وضعیت را رقم بزند به نوعی که باعث شده سوزهای اجتماعی شکل بگیرد که به جای آنکه مساله را در حل کردن بنیادی جست‌وجو کنند، به دنبال عبور از شرایط سخت با کمترین هزینه هستند. این نوع نگاه یکی از خطراتی است که امروز می‌تواند به قدرت‌گیری نئوفاشیسم کمک کند یعنی به جای آنکه نزاع اصلی فلسطین را جنگ خون و سیاست بدانند نوع ذبح انسانی به شکلی صورت می‌دهد که خیلی حال نگر است، یعنی گروهک‌های جهادی تندرو به اسرائیل حمله کرده‌اند و چون به شدت این گروهک‌ها خطرناک هستند، حال در یک جنگ برای از بین بردن انسان‌های خطرناک هستیم، دقیقاً مشابه همان توجیهی که درباره افغانستان و عراق صورت گرفته بود. اما از طرفی شبکه‌های اجتماعی می‌توانند ظرفیتی هم باشند که اگر بتوانند صورت‌مساله را از یک جنگ مقطعی به نوعی نسل‌کشی تاریخی سوق دهد و سطح جنایت را به نوعی علیه جهان صورت بندی کند و پرده از چهره حقیقی اسرائیل بردارد، قطعاً وضعیت دگرگون می‌شود. فقط کافی است در دنیای فعلی پرسش از اسرائیل به این سمت حرکت کند که کشتن کودکان برای چه هدفی دنبال می‌شود و با اسرائیل چرا این حجم تخریب را شکل داده است، اما دولت‌های غربی حمایت می‌کنند. آیا این صورت رفتارها با شعارهای حقوق بشری غربی‌ها در تضاد نیست؟ این پرسش‌ها احتمالی می‌تواند تا حدودی نئوفاشیسم را در شبکه‌های اجتماعی با شرایط جدیدی روبرو کند که تاثیر آن در کل جهان دیده خواهد شد و به دنبال آن احتمالاً مردم جهان متوجه می‌شوند در آستانه ظهور یک نئوفاشیسم جدید قرار دارند.

تمام آزادیخواهان را حول آرمان فلسطین جمع کنیم



مهدی عباسی مهر
فعال سابق دانشجویی

شرایط جنگ اخیر در غزه شباهت بسیار زیادی با نبرد تموز (۳۳ روزه) لبنان دارد. بی‌شک مقاومت مردم مظلوم غزه با دینظر داشتن بیش از ۱۰۰ اسیر صهیونیست که در اختیار مقاومت اسلامی است، یک پیروزی بزرگ را به‌شمارت می‌دهد. هرچند تا اینجا هم به واسطه ضربه سخت طوفان الاقصی و ددمنشی رژیم کودک‌کش صهیونیستی پیروزی از آن جریان مقاومت بوده است. مردم غزه با دینظر گرفتن نکات فوق این شرایط را پذیرفته‌اند و بین مرگ تدریجی در شرایط محاصره و مبارزه برای دستیابی به حق و شهادت در این مسیر، مسیر مبارزه را آگاهانه انتخاب کرده‌اند و این راه را تنها راه دستیابی برای رسیدن به حقوق خود می‌دانند. در چنین شرایطی پرداختن به مساله فلسطین امری کاملاً اسلامی و انسانی است؛ پرداختن به حقانیت مردم فلسطین و اشغالگری رژیم صهیونیستی، نقض تمامی توافقات (پیمان اسلو، کمپ دیوید و...)، تجاوز به قدس شرقی، شهرک‌سازی، اعلام پایتختی قدس و...

با پیش‌فرض فوق نسل جدید در دنیا و جهان اسلام و ایران آگاهی کمی نسبت به این دعوی دیرینه دارد و بازشر حقیقت کمک وافر به جبهه مظلوم می‌کند. این مهم فراتر از موه‌گیری و شیون برای کودکان و مردم مظلوم غزه است. با اصل پذیرش موارد فوق تشریح و تحلیل دقیق نسبت به موضوع (مساله فلسطین) به عنوان اصل اول، دفاع از مقاومت به عنوان اصل دوم و همچنین پرداختن به ظلم آشکار رژیم کودک‌کش به عنوان اصل سوم و ضرورت اتحاد ذیل آن مأموریت تمام آزادیخواهان جهان و ایران و به‌طور ویژه جنبش دانشجویی است.

بازشر گسترده مطالب و محتوای دقیق ناظر به این نزاع تاریخی مانند فیلم‌ها، مستند‌های روایتگر تاریخی این ماجرا، نمایشگاه عکس و تصاویری از جنایات این رژیم برای بخشی از جامعه که ورودی خیر و محتوای رسانه جریان انقلاب ندارد و می‌تواند در آگاهی بخشی به او کمک کند، استفاده از ظرفیت نشریه دانشجویی (تک صفحه و چند صفحه‌ای)، نشریه دیواری و برد‌های دانشجویی، دعوت از کارشناسان زنده و مسلط به بحث قدس در دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها و پاسخگویی به سوالات دانشجویان می‌تواند به بخشی از این اقدامات ذیل سه اصل کلی باشد.

اتحاد و همدلی میان نیروهای انقلاب و پرهیز از جدل در این شرایط برای هم‌افزایی داخلی و بین‌المللی موضوع غزه امری ضروری است. برگزاری پوشش‌های دانشجویی برای حمایت مادی و معنوی مانند هدیه هزینه یک روز غذای سلف دانشگاه به مردم مظلوم غزه، ثبت نام برای کمک به درمان زخمی‌ها در دانشگاه‌های علوم پزشکی، هشتگ‌سازی‌های نمادین و تولید پوشش در فضای مجازی، دعوت از نویسندگان و شعرا و هنرمندان و ورزشکاران و چهره‌ها و سخنرانان و مداحان برای اتخاذ موضع و حمایت از این چهره‌ها به واسطه موضع‌گیری و... نمونه‌هایی از این اقدامات می‌تواند باشد.

اخبار و تحلیل‌ها نشان از یک نبرد طولانی دارد و آرایش نیروهای مدافع حق و حقیقت نیز باید برای جنگی طولانی آماده شود. صرفاً پرداختن به مسائل احساسی در چنین شرایطی قطعاً تنها راه مواجهه با موضوع نیست و تقویت جریان تحلیلی-تبیینی را می‌طلبد. به امید پیروزی قطعی روشنی بر تاریکی و ظلم با ظهور منجی عدالت‌گستر.